

شرق روزنامه

گالری گردی

روایت ۴۰ هنرمند از هنر معاصر ایران

شرق: نمایشگاه «رویکردها و گرایش‌ها در هنر معاصر ایران» به ابتکار مؤسسه فرهنگ و هنر ماندگار با ارائه آثاری از ۴۰ هنرمند جوان و نسل میانی که زیبایی متنوع از جریان‌های هنری را بازتاب می‌دهند، در گالری پردیس ملت گشایش یافت. حضور آثار نام‌های شاخص، نمونه‌های موفق از آثار این هنرمندان شناخته‌شده و البته تنوع چشمگیر از جریان‌های مختلف هنری وچهی خاص به این رویداد بخشیده است. زهرا گلشن، مدیر مؤسسه فرهنگ و هنر ماندگار که برگزارکننده این نمایشگاه است، در گفت‌وگویی کوتاه در حاشیه افتتاحیه این رویداد گفت: «هنر معاصر ایران به پیشروترین هنر ایران در عرصه بین‌المللی تبدیل شده و شایسته است نمایشگاه‌هایی با رویکردهای پژوهشی روند حرکتی آن را به تحلیل واکاوی بنشینند؛ مؤسسه فرهنگ و هنر ماندگار که به‌تازگی متولد شده است، قصد دارد گام‌هایی جدی در این زمینه بردارد»، گلشن گفت مؤسسه‌اش در همه زمینه‌های هنری فعالیت خواهد داشت و افزود: «ارائه حرفه‌ای آفرینش‌های هنری در همه زمینه‌های هنر یک فن و تخصص روزآمد است که کشورهای صاحب هنر را از دیگران متمایز می‌کند، متأسفانه هنر ایران از این منظر دچار کاستی‌های بسیار است؛ یکی از برنامه‌های ما فراهم‌کردن امکاناتی است که چهره‌ای شایسته و زاینده از هنر ایران را بازتاب دهد».
فرناز محمدی، نمایشگاه‌گردان این رویداد نیز گفت: بسیاری سخت بود که بتوانیم چکیده‌ای از هنرمندان با رویکردهای معاصر را نشان دهیم، در واقع هیچ نمایشگاهی نمی‌تواند ادعا کند می‌تواند در یک نمایش همه داشته‌های هنر معاصر ایران را ارائه کند، اما احتمالاً ما توانستیم برش‌هایی از پرقدرت‌ترین جریان‌های هنری این روزهای هنر معاصر کشورمان را اینجاگرد هم آوریم. او ادامه داد: «ما در این نمایشگاه آثار مجسمه‌سازان را هم در کنار نقاش‌ها نمایش دادیم و به نظر من این اتفاق خوشایندی است که رخ داده و البته باید بگویم در کنار همه اینها من به ابعاد دیگری هم فکر می‌کردم».
کیورتیور این نمایشگاه گفت: «از آنجا که پایان‌نامه من اقتصاد هنر بوده، خواستم جریان شکننده اقتصاد هنر را در حد توان این نمایشگاه به حرکت درآورم؛ این هنرمندان نمونه‌های شاخصی هستند که در این سال‌ها آثارشان رشد داشته و در روزهایی که به دلایل مختلف ممکن است مارکت هنر شاهد افتی شده باشد، خواستم بازار هنر را محک دوباره‌ای بزنم. از این منظر در واقع من هنرمندانی را در اولویت قرار دادم که قیمت آثارشان ثبات بیشتری دارند، اما به حتم در دوره‌های بعدی این نمایشگاه از سایر هنرمندان هم دعوت خواهد شد». این مجموعه با همکاری سازمان ریاستیاری شهر تهران گرد هم آمد و بنا دارد ضمن نشان‌دادن بخش‌هایی پرقدرت از رویکردهای متنوع در هنر معاصر ایران و ارائه آثار درخور تامل و تماشایی، زمینه



پژوهش و جست‌وجویی هرچند گذرا را برای علاقه‌مندان به هنر فراهم کند. در امتداد این مسیر آثار هنرمندانی در این نمایشگاه به چشم می‌خورد که در سال‌های اخیر چه در فضای هنری و چه در فضای اقتصادی به بازار و جایگاه درخور توجهی رسیده‌اند و بیشتر اسامی هنرمندان حاضر در این نمایشگاه هنرمندانی شناخته‌شده و صاحب سبک هستند. در این نمایشگاه آثار هنرمندان: پویا آریان‌پور، نسیم ابوالقاسم، شهریار احمدی، مسعود اخوان‌چمن، مریم اشکانیان، امیرحسین بیانی، مجتبی تاجیک، مونا پاد، مهدیه یازوکی، مرتضی پورحسینی، آرمین پورفقهیمی، بهاز جلالی، وحید چمنی، شیمیا خمشاخشی، سلمان خورشو، فرناز ربیعی‌ه‌ا، آزاده رزاق‌دوست، روشنا رستمی، حامد رشتیان، لیلی رشیدی، بابک روشنی‌نژاد، کامییز صبری، نسترن صفایی، طاهره صمدی‌طاری، قدرت‌الله عاقلی، کیوان عسگری، سسمیرا علیخانزاده، زهرا قیاسی، بهنام کامرانی، کورش گلناری، یسری مجتهدی، احمد مرشدلو، مانیل منوچهری، نزار موسوی‌نیا، نگار نادری‌پور، بنفشه همتی، بینا ویکلی، لیلا ویسمه، الهه یزدانیشان و محمدرضا یزدی به نمایش درآمده است. لازم به یادآوری است این نمایشگاه تا نوزدهم خرداد در پردیس سینما گالری ملت دایر و میزان علاقه‌مندان است.

نگاه

حامد بهداد خواننده کنسرت ۱۰سالگی گروه دارکوب شد

گروه موسیقی دارکوب در حالی کنسرت خود را در تاریخ پنج خرداد در برج میلاد روی صحنه می‌برد که حامد بهداد به‌عنوان یکی از خواننده‌های گروه در این کنسرت به اجرای زنده خواهد پرداخت. حامد بهداد که سال‌های زیادی را در کنار همایون نصیری و گروه «دارکوب» سپری کرده و در اولین کنسرت‌های گروه دارکوب نیز حضور داشته، دربارهٔ ۱۰سالگی گروه دارکوب معتقد است: «می‌گویند که بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین. ما ۱۰سالش را این‌گونه دیدیم. رفیق‌های خوبی مثل همایون نصیری، دارا، آرش و خیلی‌هایی که بودند و اکنون نیستند یا مثل خود من در پارت‌تایم‌های مختلفی تمرین کردند و رفتند، ولی بخش دوستی و خاطره‌ها و به‌خصوص موسیقی در این ۱۰ سال خیلی لذت‌بخش بوده است». بهداد افزود: «من خیلی خوش‌شانس بودم که حداقل در اولین موسیقی‌ی دوستان درجه‌یکی مثل همایون نصیری، علیرضا عصار، همایون شجریان، دارا دارایی، علی الظی‌اللهی، و… داشتم».
گفتنی است کنسرت ۱۰ سالگی گروه دارکوب در تاریخ پنج خردادماه در دو سناتس در برج میلاد به همت مؤسسه «کامیاب بهاران» و تهیه‌کنندگی علی حق‌شناس و با همکاری مؤسسه سمیرخ برگزار خواهد شد و فروش بلیت این کنسرت نیز برای علاقه‌مندان این سبک موسیقی آغاز شده است.

دریچه

درددل‌های یک جراح قلب با بوم نقاشی

نمایشگاه نقاشی‌های پروفیسور هرمز مه‌منش با نام «سایه خاموشی» ۲۲ اردیبهشت در گالری ایوان افتتاح شد. هرمز مه‌منش در نخستین نمایشگاه خود بیش از ۲۰ تابلو نقاشی را که با تکنیک اکریلیک و ترکیب مواد خلق شده‌اند به نمایش گذاشته است. این جراح قلب مشهور روی بوم‌های بزرگ خود به نمایش تصاویر مختلفی پرداخته است که هرکدام دارای ویژگی‌های مفهومی خاص خود هستند. آثار مه‌منش سرشار از خاطرات، پرسش‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خواب‌هایش هستند و بنابراین عجیب نیست که در هرکدام از آنها فیکور انسان، پرندگان گوناگون و حتی ترکیب‌های هندسی دیده شود. آثار مه‌منش با توجه به موضوع و شیوه بیانی آنها تقسیم‌بندی شده و در طبقات مختلف گالری ایوان به نمایش درآمده است. در طبقه‌ای نقاشی‌های رنگارنگ و پراثری دیده می‌شود و در طبقه دیگر آثاری محصور در خاکستری و تلخی، هرمز مه‌منش در باره آثار این نمایشگاه گفت: کار اصلی من چیز دیگری است، اما چندسالی هست که نقاشی می‌کنم و این کار امکانی را برای من فراهم می‌کند تا حرف‌هایی را که نمی‌توان به‌راحتی مطرح کرد بیان کنم، با توجه به فشارهایی که در شغل من به‌عنوان یک جراح و به‌عنوان یک شخص عضو جامعه وجود دارد، نقاشی‌کردن وسیله‌ای است که بتوانم با بوم درددل کرده و خود را تخلیه کنم. درواقع این کارها به‌نوعی روزنگار احساسی من هستند. مه‌منش ادامه داد: من به سبک و تکنیک عقیده ندارم و فکر می‌کنم این جریان‌ها اختراع افرادی است که با کار هنری تجارت می‌کنند، اما فکر می‌کنم آنچه هنرمند می‌بیند و قصد بیان آن را دارد تعیین‌کننده شیوه کار او است. بنابراین آنچه در کارهای من اهمیت دارد این است که آنها بیان‌کننده بحران‌های زندگی من در مقاطع خاص یا گفتمان درونی من هستند. وجه مشترک این آثار نیز سوال‌هایی است که در زندگی دارم یا صحنه‌هایی که در کودکی دیدم‌ام و حالا در روان من بازنگری شده‌اند. بهنام کامرانی، نقاش و استاد دانشگاه که انتخاب آثار این مجموعه را برعهده داشته است، نیز گفت: در دیداری که با هرمز مه‌منش داشتم، از دیدن نقاشی‌های او بسیار شگفت‌زده شدم چون ایشان تعداد زیادی کار داشته و خیلی با عطش و شورانگیز به نقاشی می‌پرداختند. با اینکه او نخبه جراحی قلب است و آموزشی در زمینه نقاشی ندیده، ولی خیلی متنوع و جذاب نقاشی می‌کند. وقتی آثار او را دیدم، برگزایی این نمایشگاه برای من خیلی جالب شد و از میان کارهایش آثاری را بیشتر براساس موضوع انتخاب کردم. سعی کردم انتخاب به شکلی باشد که در نخستین نمایشگاه، معرفی درستی از ایشان انجام گیرد. با توجه به معماری خاص گالری ایوان، توانستم چیدمان موضوعی برای کارها انجام دهم و خوشحالم که تابلوها به‌خوبی در فضا قرار گرفته است.

گفتنی است گالری ایوان تمامی فروش کاتالوگ و سود حاصل از فروش آثار این نمایشگاه را به مؤسسه خیریه رفاه کودک و نوجوان ارومیه اهدا می‌کند. گالری ایوان در نمایشگاه‌های قبلی سهم خود از فروش آثار هنری را به خیریه‌های محک، ماموت، نیکان، کمک، دهش‌پور، انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن تالاسمی و مجتمع آموزشی نیکوکار رعد اهدا کرده بود. نمایشگاه «سایه خاموشی» تا پنج خرداد در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره یک برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند هرروز به‌جز شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.



عکس شرق

آنانومی هویت

برداشت من از این بیت و به‌خصوص مصراع نخست آن این است که چهره ظاهری آنچه در پیرامون ماست، دریچه‌ای است برای درک مفاهیم درونی دنیایی که در آن هستیم و گاه میان این نمای بیرونی و معنای درونی آن تفاوتی شگرف وجود دارد. هویت، درون‌نگری و خودشناسی، چه در ابعاد شخصی و چه در بستر فرهنگی و تاریخی آن دغدغه همیشگی من و موضوع نمایشگاه‌های پیشین من بوده و طبیعی است که موضوع این نمایشگاه هم در راستای همان اندیشه و بارورشده از تجربه‌های پیشین من باشد. این درباره نگری‌که ش ما آن را رویکرد طنزانه نامیدید نیز صدق می‌کند، زیرا همان‌طور که در آغاز گفت‌وگو اشاره کردم، نگاه طنزاندیشانه از همان ابتدا به صورت خودجوش در من وجود داشت و باز طبیعی است که این نگاه نیز در گستره تجربیات حرفه‌ای و هنری من، از جمله این نمایشگاه حضور داشته باشد.

❧ در آثار تان از اِل‌مان‌های قاجاری استفاده کرده‌اید که به نظر مشکل دکوراتیو دارد و بیشتر از آنکه بخواهد در پی ایجاد مفهوم باشد، بر جدایت‌های بصری آثار می‌افزاید. نظر خودتان در این‌باره چیست؟
باید بگویم استفاده از تصاویر و نمادهای دوران قاجار در آثارم هم جنبه دکوراتیو دارد و هم به صورت نمادین و در پی ایجاد مفهوم است. منتها این مفهوم در راستای هویت و درون‌نگری است و کوچک‌ترین ارتباطی به وجه سیاسی و تاریخی خود سلسله قاجار ندارد. باور من این است که دوره قاجار آخرین دوران تاریخی ایران است که در آن هویت و زیبایی‌شناسی که می‌شود آن را ایرانی قلمداد کرد، به‌وضوح در همه چیز دیده می‌شود، حتی زمانی که با عناصر غربی ترکیب شده باشد. پیش‌تر اشاره کردم که به‌عنوان یک هنرمند، مسئله هویت دغدغه همیشگی من بوده است و در واقع احساس می‌کنم که نه‌تنها من، بلکه مسئله هویت بزرگ‌ترین دغدغه ما ایرانیان است. استفاده از تم قاجاری در آثار هنری اتفاق جدیدی نیست و هنرمندان بی‌شماری در ایران به شیوه‌های مختلف از تم قاجار در آثارشان استفاده کرده‌اند. شادروان اردشیر محمصص بیش از ۵۰ سال پیش به زیباترین شکل نمادهای قاجاری را در طراحی‌هایش وارد کرد. من نیز به سهم خودم تلاش کرده‌ام با نگاه خاص خودم و با ترکیب این تم با نمادهای پزشکی و آنانومی، مفهوم هویت را به شیوه‌ای منحصربه‌فرد و به‌یادماندنی در آثارم به نمایش بگذارم. آثاری که در آنها هم بار مفهومی و هم زیبایی بصری حضوری پررنگ داشته باشند.

❧ مصراع‌ی که پس از مثنوی مولوی برای نام نمایشگاه‌تان انتخاب کرده‌اید هم به جنس هویت برمی‌گردد؟
بله. اصلا دلیل انتخاب این مصراع برای نام نمایشگاه‌م تاکید بر اهمیت موضوع هویت در نقاشی‌هایم بود.
❧ به نظر می‌آید شما خیلی تحت‌تاثیر ادبیات هستید و در آثار تان عناصر و تمام شکل‌های هویتی موجود در ادبیات را حفظ کرده‌اید…
گمان نمی‌کنم هیچ ایرانی وجود داشته باشد که تحت‌تاثیر ادبیات نباشد. حضور ادبیات در جای جای زندگی هر ایرانی به‌قدری قوی است که حتی سالیان دراز زندگی دور از ایران این حضور را کمرنگ نمی‌کند و این به‌ویژه درباره کسانی که در فضای فرهنگی و هنری فعالیت می‌کنند چشمگیرتر است. منظور از حضور ادبیات در زندگی، داشتن دیوان حافظ بر سر تاقچه نیست، بلکه شیوه نگاه به دنیا و طرافت و نکته‌بینی در درک مفاهیم عمیق زندگیست. من نیز از این ویژگی مستثنا نیستم.
❧ اکنون که پس از چندسالی که نمایشگاه نقاشی برپا کرده‌اید، تصمیم دارید که این کار را همچنان ادامه دهید؟
بله. با شور و انرژی زیاد و به یاری خداوند تصمیم دارم این مسیر را به‌صورت گسترده و مستمر ادامه دهم. مدتی زمان لازم بود تا هم شرایط عاطفی و ذهنی و هم فضای مناسب برای این حرکت مهیا شود و احساس می‌کنم اکنون آن زمان فرا رسیده است.

❧ به برپایی نمایشگاهی از همین مجموعه جدیدتان در خارج از کشور فکر نکرده‌اید؟
چراکه نه؟ یکی از پیامدهای طبیعی گسترش فعالیت‌های هنری، تلاش در برگزاری نمایشگاه در خارج از کشور است و چنین فرصتی بسیار عالی خواهد بود.
❧ تفاوت عمده بین نقاشی و تصویرگری برای شما در کجا شکل می‌گیرد؟
صرف‌نظر از تفاوت‌های بنیادی و ساختاری میان نقاشی و تصویرگری، یکی از نکات برجسته‌ای که در نظر من این دو حرفه را از هم جدا می‌کند، پابندی و وابستگی تصویرگری به یک متن یا داستان و تعهد مشخص هنرمند تصویرگر به انتقال پیام و مفهوم آن متن و داستان است؛ و این در مقابل استقلال یک اثر نقاشی و وابسته‌نبودن یک هنرمند نقاش به چارچوب‌ها و ساختارهای روایی است. در همین راستا، یکی از جذابیت‌های نمایشگاه جدیدم برای خود من، نخست این بیت از اشعار مثنوی مولاناست:
صورتش بیرون و معنیش اندرون،
بکشم، نه سفارش دیگران را.

۱۵ اردیبهشت امسال که سرانجام فرصت کردم مجموعه‌ای از کارهای جدیدم را به صورت مستقل در گالری گلستان به نمایش بگذارم و با وجود این وقفه چندساله، این نمایشگاه درواقع ادامه همان مسیر است. از آنجا که در تمام آثار این نمایشگاه از اشعار مولانا بهره برده‌ام، در اینجا هم بجاست که از کلام ایشان استفاده کنم که فرمودند:
مدتی این مثنوی تأخیر شد، مهلتی بایست تا خون شیر شد.

❧ در تصویرگری مطبوعاتی مسئله اصلی سرعت انتقال پیام است که باید در اولویت قرار بگیرد. در نتیجه در این کار بیشتر تصویرهای ساده دیده می‌شود که البته می‌تواند در عین حال پیچیدگی‌های خاص خودش را هم داشته باشد. در آثار شما هم این سادگی وجود دارد که بیشتر جنبه نمادین دارد. سادگی و نمادین‌بودن آثار تان ذاتی است یا براساس یک ایده در ذهن تان شکل می‌گیرد؟

این سادگی و نمادین‌بودن درواقع شیوه برخوردی است که من به صورت هوشیارانه از آن در طراحی‌هایم بهره جسته‌ام. از آنجا که هر مدیوم و رسانه‌ای چارچوب و ویژگی‌های خاص خود را دارد، شناخت و استفاده هوشیارانه از این ویژگی‌ها به انتقال بهتری پیام و در نهایت به ایجاد رابطه بهتر میان پدیدآورنده یک اثر هنری، خود اثر هنری و مخاطب آن منجر می‌شود. باور من این است که این شیوه برخورد در تمام شاخه‌های هنری کاربرد دارد و مطبوعات نیز که به نوعی از ترکیب شاخه‌های گوناگون هنری مانند ادبیات، عکاسی، گرافیک و تصویرگری تشکیل شده، از این قاعده مستثنا نیست. فضای محدود، نیاز به سرعت در انتقال پیام یک مطلب حین رعایت ویژگی‌های زیباشناسانه و کاربردی رسانه مطبوعات چارچوبی است که با درک و شناخت آن می‌توان تصاویر اثرگذار و به‌یادماندنی به وجود آورد.



به نظر من ایده و اجرا، چه در تصویرگری و چه در هر شاخه‌ای از فعالیت‌های هنری به یک اندازه اهمیت دارند و نابرابری بین این دو به ضعیف‌شدن و کم‌انزبودن و در نهایت به زودگذربودن عمر یک اثر هنری منجر می‌شود. اگر بپذیریم که هدف تولید یک اثر هنری و یک محصول فرهنگی رشد و اعتلای فکر و ذهن مخاطب آن است، می‌توان آن را به شکلی به غذای روح تشبیه کرد و همان‌طور که در خوراک جسم، بهترین غذا آن است که در عین لذت‌نبودن نیازهای بدن را تأمین کند و تندرستی به ارمغان آورد، یک اثر هنری و محصول فرهنگی نیز باید ضمن انتقال یک ایده و مفهوم عمیق، اجرای ماهرانه داشته باشد.

❧ در تصویرگری مطبوعاتی، مفهوم جزّ لاینفک کار است که درباره آن دو مسئله اهمیت دارد؛ یکی مسئله ایده هنرمند و دیگری مسئله تکنیک او که می‌تواند تبدیل به امضا و شیوه بیان هنرمند شود. به نظر شما در چنین کاری، ایده هنری بر تکنیک ارجحیت دارد یا این دو با هم در یک هم‌پوشانی قرار دارند؟

به نظر من ایده و اجرا، چه در تصویرگری و چه در هر شاخه‌ای از فعالیت‌های هنری به یک اندازه اهمیت دارند و نابرابری بین این دو به ضعیف‌شدن و کم‌انزبودن و در نهایت به زودگذربودن عمر یک اثر هنری منجر می‌شود. اگر بپذیریم که هدف تولید یک اثر هنری و یک محصول فرهنگی رشد و اعتلای فکر و ذهن مخاطب آن است، می‌توان آن را به شکلی به غذای روح تشبیه کرد و همان‌طور که در خوراک جسم، بهترین غذا آن است که در عین لذت‌نبودن نیازهای بدن را تأمین کند و تندرستی به ارمغان آورد، یک اثر هنری و محصول فرهنگی نیز باید ضمن انتقال یک ایده و مفهوم عمیق، اجرای ماهرانه داشته باشد.

❧ کاریکاتورها یا تصویرسازی مطبوعاتی در عین حال که قابل لمس است، اما گاهی از آشنایی زیاد، برای مخاطب ناآشنا می‌شود. این قابلیت به‌طور ذاتی در خود مدیوم وجود دارد یا تسلط و ایده هنرمندان باعث به‌وجودآمدن چنین اتفاقی می‌شود؟

در اینجا هم به نظر من این منحصر به تصویرگری مطبوعاتی نیست و در دیگر بخش‌های هنر نیز اتفاقی است که به شکل آگاهانه و از سوی هنرمند رخ می‌دهد. استفاده از نمادهای ساده و آشنا برای انتقال مفاهیم و معانی پیچیده و عمیق شیوه برخوردی است که در دنیای هنر و ادبیات از آن به بهترین شکل استفاده شده است و در گنجینه هنر و ادبیات کشورمان نمونه‌های بی‌نظری از چنین شیوه برخوردی وجود دارد که همه ما با آن آشناییم و از آن بهره برده‌ایم.

❧ درباره عنوان نمایشگاه‌تان در گالری گلستان توضیح دهید و بگویید در آثار تان در این نمایشگاه هم از همان رویکرد طنزانه‌ای که در تصویرسازی به کار می‌بردید، استفاده کردید یا این آثار به تجربه‌های قبلی تان وابسته نیست؟

عنوان نمایشگاه من «صورتش بیرون و معنیش اندرون» است که مصراع نخست این بیت از اشعار مثنوی مولاناست:
صورتش بیرون و معنیش اندرون،
معنی معشوقِ جان در رگِ چو خون.

علیرضا بخشی‌استوار : هادی فراهانی، هنرمند ایرانی ساکن کاناداست که سال‌ها برای معتبرترین روزنامه‌های جهان مثل «وال‌استریت ژورنال»، «نیویورک‌تایمز»، «لس‌آنجلس‌تایمز»، «اینترنشنال هرالد‌تریبون» و… طراحی و تصویرسازی کرده است. او بعد از بیش از ۲۰ سال فعالیت مستمر در خارج از ایران، با رجوع به سال‌های آغازین فعالیتش در عرصه هنر مسیر تازه‌ای را در فعالیت‌های هنری خود گشوده و تجربه‌ای متفاوت را در مدیای نقاشی رقم زده است. او معتقد است که جذابیت این نمایشگاه آن است که در نقاشی‌ها حرف دل خود را زده و برخلاف سال‌های همکاری‌اش با مطبوعات، سفارش دیگران را به تصویر نکشیده است. در ادامه، گفت‌وگو با این هنرمند به بهانه برگزاری نمایشگاه «صورتش بیرون و معنیش اندرون» در گالری گلستان را بخوانید.

❧ آقای فراهانی رزومه کاری شما متنوع و جذاب است. انفرادی در موزه هنرهای معاصر در ۲۰ سالگی و بیش از دو دهه طراحی و تصویرسازی در «نیویورک‌تایمز»، «لس‌آنجلس‌تایمز» و «اینترنشنال هرالد‌تریبون»، چرا کانادا را رها کرده و به نمایشگاه نقاشی در گالری گلستان بازگشتید؟ گویا سال‌های ۷۱ و ۷۲ خورشیدی هم در گلستان نقاشی به تماشا گذاشته بودید.
شاید اشاره‌ام به دوران تحصیلات هنری‌ام پاسخ را بدهد؛ زمانی که در هنرستان هنرهای تجسمی پسران تهران آغاز به تحصیل کردم، متوجه شدم که برای نخستین‌بار در زندگی‌ام، آنچه که تا آن روز صرفاً به آن به‌عنوان سرگرمی و دل‌مشغولی شخصی خودم پرداخته بودم، به اولویت اول و هدف اصلی تحصیلاتم تبدیل شده بود. در سال‌های نوجوانی و هنگام شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی، دانش اینکه آموختن و پرداختن به هنر پدیده‌ای بسیار جدی است و می‌توان به آن به شکل آکادمیک نگاه کرد، قدم بسیار بزرگی در مسیر کار هنری‌ام بود. در همان سال‌ها از جلو دانشگاه تهران به کنشی از آثار آقای کامییز درمبخش برخوردم و با دیدن آن کتاب متوجه شدم که کار طنز تصویری هم یک حرفه کاملاً مشخص و مجزاست. از آنجا که به‌طور خودجوش کار طنز را خیلی دوست داشتم، متوجه شدم که شیوه برخورد آقای درمبخش در زمینه طنز برایم کاملاً آشنا و ملموس است و دیری نگذشت که با الهام از کارهای ایشان، برای خودم شروع به کشیدن کارتون کردم. آقای احمد امین‌نظر که در آن روزها یکی از معلم‌های من در هنرستان بود، با دیدن آن طراحی‌ها من به ادامه جدی این کار تشویق کرد و در همان زمان، یکی دیگر از معلم‌های هنرستان به من پیشنهاد کرد مجموعه طراحی‌هایم را به سردبیر مجله سروش هفتگی نشان بدهم. این کار را انجام دادم و به فاصله بسیار کوتاهی در مجله سروش مشغول به کار شده و وارد دنیای مطبوعات شدم.

یکی از طرح‌هایی که در کتاب آقای درمبخش بیش از همه روی من اثر گذاشت طرحی بود که در آن از مینیاتور استفاده شده بود، زیبایی این ترکیب و عمق پیام آن به‌قدری برای من جذاب بود که شروع به کشیدن طراحی‌های زیادی با این تم کردم. چندی بعد مجموعه این طرح‌ها در موزه هنرهای معاصر تهران به‌عنوان اولین نمایشگاه انفرادی من به نمایش درآمد. آقای کامییز درمبخش و شادروان اردشیر محمصص هر دو در زمینه تلفیق طنز و هویت ملی و فرهنگی، خدمات بزرگی به جامعه هنری ایران کرده‌اند و من شخصا آغاز رشد حرفه‌ای خود را مدیون این دو هنرمند بزرگ هستم.

پس از نمایشگاه در موزه هنرهای معاصر، دو نمایشگاه نیز در گالری گلستان برگزار کردم و از آن پس و تا زمانی که به کانادا نقل‌مکان کنم، به طور مستمر در ایران در زمینه طراحی طنز و کارتون، چه در مطبوعات و چه در نمایشگاه‌ها فعال بودم. پس از مهاجرت به کانادا، از آنجا که نمی‌خواستم روابط حرفه‌ای گذشته‌ام در تلاش برای پیداکردن مسیرهای جدید من را کند و ایستا کند، به صورت هوشیارانه و عمدانه تمام روابط کاری‌ام در ایران را قطع کردم. به این شکل، تنها راهی که داشتم، حرکت رو به جلو بود. ذهنیت من این بود که اگر در زمینه حرفه‌ای جای بازگشت به ایران را بگذارم، ممکن است در زمان دشواری دچار سستی شوم و به ایران برگردم. این پیش‌بینی کاملاً درست بود و سختی‌های بی‌شماری که زندگی در غرب در مسیر یک مهاجر، آن‌هم یک هنرمند مهاجر قرار می‌دهد به‌سادگی می‌توانست مرا از ادامه راه مأیوس کند. پس از مهاجرت، برای تسریع در پیشرفت حرفه‌ای‌ کارم، ترجیح دادم بیشتر روی تصویرگری مطبوعاتی و ژورنالیستی تمرکز کنم. این دیسیپلین به من کمک کرد که در زمان نسبتاً کوتاهی بتوانم با روزنامه‌ها و نشریات معتبر همکاری کنم. در سال ۱۳۸۷ حاصل تجربیات حرفه‌ای این سال‌ها را به صورت نمایشگاهی از آثار منتشرشده‌ام در مطبوعات غربی در خانه هنرمندان به نمایش گذاشتم. برگزاری این نمایشگاه به دنبال سه منظور بود؛ نخستین و آشکارترین آنها، نمایش آثارم به مخاطبان ایرانی بود و کسانی که در جریان فعالیت‌های حرفه‌ای من در خارج از ایران نبودند. پس از آن آشنایی مجدد خود من با فضای هنری و فرهنگی ایران و در پایان با هدف اینکه این نمایشگاه به شکلی فصل آخر تجربه چندین‌ساله مطبوعاتی‌ام و آغاز دوباره فعالیت‌های هنری من به صورت آزاد باشد. البته در روند این حرکت چندسالی وقفه افتاد تا